

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره شانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۰ (پیاپی ۳۲)
(ویژه‌نامه علوم اجتماعی)

روابط متقابل شهر و روستا
(مطالعه موردی ایرانشهر)

دکتر حسن افراخته*
دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

در بررسیهای ناحیه ای کشورهای در حال توسعه به انواع روابط متقابل بین شهر و روستا اشاره می‌شود. تفاوت‌های فضایی بیشتر می‌تواند ناشی از بهره برداری بیشتر شهر از منابع روستایی باشد و تفاوت‌های کمتر مبین وجود روند "گسترش" در ناحیه است.

مقاله حاضر روابط موجود بین شهر و روستا را در "ناحیه ایرانشهر" از استان سیستان و بلوچستان مطالعه می‌کند و این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که "الگوی روابط موجود بین شهر و روستا در ناحیه با هیچ یک از دو الگوی مزبور مطابقت ندارد".

مقاله پس از مروری بر مطالعات پیشین، داده های جمع آوری شده را بر اساس تحلیل "ارتباطات فضایی" و با استفاده از برخی مدل‌های مربوط مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که: در این ناحیه زندگی روستایی مبتنی بر تولید کشاورزی، قدمت و پویایی لازم را ندارد، درآمد حاصله از صادرات نفت بدلیل موقعیت حاشیه‌ای ناحیه، در آنجا سرمایه‌گذاری نشده است. بنابراین، الگوی روابط شهر و روستا با دو الگوی مزبور تفاوت دارد؛ در الگوی موجود روند "گسترش" بدون دخالت مستقیم دولت امکان‌پذیر نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ۱- ناحیه ۲- روابط متقابل ۳- ارتباطات فضایی ۴- شهر انگلی ۵- شهر خلاق ۶- موقعیت حاشیه‌ای.

۱. مقدمه

در بررسیهای ناحیه‌ای کشورهای در حال توسعه به وجود انواع روابط متقابل بین شهر و روستا بعنوان عناصر اصلی تشکیل دهنده ناحیه اشاره می‌شود، بر اساس این تحقیقات، تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی موجود بین دو واحد مزبور مبین نوع روابطی تلقی می‌شود که بین آنها وجود دارد. تفاوت‌های بیشتر نشان دهنده جریان یک طرفه و بهره برداری شهر از روستاهای پیرامون است که مفهوم "شهرهای انگلی" را متبادر می‌سازد؛ بر عکس تفاوت‌های کمتر در صورت وجود روند مثبت توسعه، بیانگر "گسترش" و وجود "شهرهای خلاق" می‌باشد.

شناسایی شهرها تحت عناوین انگلی و خلاق در برنامه‌ریزیهای توسعه به دو استراتژی منجر می‌شود: اول، شهرهای انگلی عامل زهکشی منابع روستایی و مسبب توسعه نیافتگی روستایی است بنابراین نوعی شهرستیزی و بازگشت به روستا توصیه می‌شود. دوم، شهر خلاق که موتور محرک توسعه نواحی است و باید سرمایه گذاری در شهرها متمرکز گردد.

این استراتژیهای بظاهر متفاوت در نواحی حاشیه‌ای، به نتیجه واحد ختم می‌گردد و آن بی‌توجهی به شکل‌گیری سلسله مراتب مناسب سکونتگاهی و برقراری ارتباطات عمودی و افقی فضایی و سازمانی نواحی است. آزمون الگوی روابط ناحیه‌ای و شناخت ارتباطات موجود در نواحی پیرامونی کشور می‌تواند در برنامه‌ریزیهای توسعه و اختصاص سرمایه گذاریها واجد اهمیت اساسی باشد؛ بخصوص که بعد از انقلاب بودجه‌های کلانی در قالب فقرزدایی، حمایت از تولیدات روستایی توسط سازمانها و نهادهای مختلف همچون جهاد، کمیته امداد، سازمان عشایری و ... صورت گرفته ولی بدلیل فقدان استراتژی مناسب به نتیجه مطلوب نرسیده است. مقاله حاضر روابط بین شهر و روستا در ناحیه ایرانشهر (استان سیستان و بلوچستان) را از این دیدگاه مورد بررسی قرار می‌دهد. درک الگوی روابط شهر و روستا در این ناحیه بر اساس واقعیات موجود، مهمترین هدف تحقیق حاضر می‌باشد. به این امید که بعنوان مقدمه‌ای در برنامه‌ریزیهای توسعه ناحیه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین "عدم انطباق روابط شهر و روستا در این ناحیه، با هیچ یک از دو الگوی مزبور (شهر انگلی و شهر خلاق)" فرضیه اساسی تحقیق بوده که مورد آزمون قرار می‌گیرد.

۲. مروری بر مطالعات پیشین

بررسیهای مربوط به روابط شهر و روستا در ایران، اغلب بوسیله نویسندگان خارجی در سالهای قبل از انقلاب صورت گرفته است که در حد مجال مقاله به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

"انگلیش" در بررسی خود در حوزه کرمان، به این نتیجه رسیده است که شهر با تسلط بر مالکیت اراضی کشاورزی، بافت و تولید فرش در نواحی روستایی و نیز بر اساس عقد

قراردادهایی در زمینه پرواربندی دام با روستاییان، منابع روستایی را به نفع شهر زهکشی می‌کند (انگلیش، ۱۹۶۶).

اهلرز^۱ با مطالعه روابط شهر و روستا در حوزه دزفول، دریافت بهره مالکانه از زمینهای روستایی، پیش خرید تولیدات روستایی و روابط تجاری نابرابر را، اهرمهای عمده‌ای می‌داند که بوسیله آن، مازاد تولید روستایی به شهر انتقال می‌یابد (اهلرز، ۱۳۵۵).

مارسل بازن^۲ نیز در تحقیقات خود از نفوذ تجاری گسترده شهر قم به همراه سرمایه گذاری سرمایه داران شهری در بافت فرش و جریان یکسویه درآمد از روستا به شهر سخن می‌گوید (بازن، ۱۳۶۷).

بررسیهای مزبور جملگی حاکی از روابط نابرابر شهر و روستا و جریان انتقال کالا از روستا به مراکز شهری است. اما این تحقیقات در مناطقی از ایران صورت گرفته است که اقتصاد روستایی متکی بر تولید زراعی و صنایع دستی بوده و شهرنشینی از سابقه‌ای کهن برخوردار است و نمی‌تواند با نمونه مورد مطالعه این مقاله قابل انطباق باشد.

مطالعه محققان ایرانی در زمینه روابط شهر و روستا در ایران متعدد است که بدلیل کثرت بررسیها و مجال محدود مقاله به طبقه‌بندی آنها بسنده می‌شود:

گروه اول مطالعاتی هستند که به نقش انگلی بودن شهرهای ایران در اختصاص مازاد تولید روستایی از طریق دریافت بهره مالکانه زمین، روابط تجاری نابرابر و تمرکز قدرت معتقدند (خسروی، ۱۳۵۸) و علاوه بر آن سرمایه گذاری شهر در بافت قالی (اشرف، ۱۳۴۷) و یا فرم تغییر شکل یافته روابط مالکیت سنتی و تسلط تجارتمندی و اداری شهر را موجب انتقال در آمدهای روستایی به شهرها می‌دانند (نظریان، ۱۳۶۴).

گروه دوم تحقیقاتی که به نقش مکنندگی شهر نه از طریق اختصاص مازاد روستایی بلکه با تکیه بر منابع نفتی (آقاجانیان، ۱۳۶۸) اشاره می‌کنند و معتقدند که توسعه سرمایه‌داری در ایران با تکیه بر صادرات نفت سبب در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی از یک سو و رشد سریع شهرها از سوی دیگر شده و در نهایت به توسعه شهرهای دارای مشکل منجر گردید (حسامیان، ۱۳۷۷). برخی از این مطالعات با تکیه بر ۳۰۰۰۰ صفحه تحقیق، گسترش بسی رویه مهاجرت‌های روستایی را به اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ نسبت می‌دهند (پاپلی، ۱۳۸۰). در حالی که سابقه مهاجرت‌های روستایی در ایران به مدت‌ها پیش از دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد.

گروه سوم بررسیهایی که روابط چند سویه موجود بین شهر و روستا در ناحیه "تفت" را مطالعه کرده (مؤمنی، ۱۳۶۱) و یا به این نتیجه رسیده اند که نظام شهر و روستا در ایران (ناحیه ملایر) بعلت وجود یک شبکه نسبتاً منظم سکونتگاهی، متعادلتر و پولاریزاسیون روستایی توسط شهر محدودتر است (مؤمنی و بهرام بیگی، ۱۹۷۶).

گروه چهارم مطالعاتی هستند که کم و بیش به منطقه مورد مطالعه این مقاله مربوطند. برخی به قدری جنبه کلیشه‌ای و غیر پژوهشی دارند، که بی نیاز از هرگونه بررسی می‌باشند. گروهی دیگر از این مطالعات نقش انتقال مازاد اقتصادی روستایی را در گسترش شهرهای کشور از جمله شهر چابهار استان سیستان و بلوچستان رد کرده و رشد آنها را خارج از شمول مکانیزم سرمایه داری بهره‌بری می‌دانند (رهنمایی، ۱۳۷۳) و توجه نظام دیوانسالاری و تجارت برون منطقه ای را در رشد شهر چابهار مؤثر می‌دانند (افراخته، ۱۳۷۵). بررسیهایی نیز بدون توجه به نقش شهر، فقر عوامل محیط طبیعی، متفرق بودن کانونهای روستایی و فقسدان زیر ساختهای تولیدی را در توسعه نیافتگی شهر چابهار مؤثر دانسته که در نهایت وجود شهر خلاق را نفی می‌کند اما انگلی بودن شهر نیز اثبات نمی‌شود (محمودی، ۱۳۶۷).

بدین ترتیب مطالعات فوق جملگی به انگلی بودن نقش شهرها معتقدند و یا به نقش مکنندگی شهر با تکیه بر منابع نفتی اشاره دارند. موارد مذکور از نظر اهمیت نقش اقتصادی بخش کشاورزی و یا سابقه نظام شهری قابل مقایسه با ناحیه مورد مطالعه این مقاله نیستند و یافته های آنها در رابطه با این ناحیه مصداق ندارد. مطالعاتی که مستقیماً در رابطه با ناحیه مورد مطالعه مقاله حاضر است، اگرچه به انگلی بودن نقش شهر در زهکشی منابع روستایی نرسیده اند، نقش نظام دیوانسالاری را که در واقع همان درآمدهای نفتی است، در توسعه شهرهای ناحیه مؤثر دانسته‌اند.

در اینجا باید دانست که ناحیه مورد مطالعه به دلایل خاص جغرافیایی و سیاسی از درآمدهای نفتی کشور برخوردار نشده است و استان سیستان و بلوچستان چه قبل از انقلاب و یا بعد از آن از نظر سطح توسعه یافتگی، در بین ۲۳ استان کشور رتبه بیست و سوم را دارا بوده است (شریفتلی، ۱۹۹۹). از نظر توسعه صنعتی نیز، این استان در رتبه بیست و سوم قرار داشته است (کلاتری، ۱۹۹۷).

۳. مبانی نظری

بر اساس مدل های کارکردی شهر و روستا نه تنها با یکدیگر ارتباط دارند بلکه به هم وابسته‌اند. در این چارچوب نظریه وابستگی معتقد است که نواحی شهری بدلیل اینکه ارتباط تنگاتنگی با سرمایه داری بین المللی دارند، بر اساس بهره برداری از نواحی روستایی پیرامونی خود رشد می‌کنند. در مقابل نظریه مدرنیزاسیون چنین ادعا دارد که شهرها مرکز نوآوری و پخش توسعه به حوزه های روستایی پیرامونی خود هستند (الاین، ۱۹۹۹)؛ براین اساس شهرها مکان نوآوری عقاید و نهادهای جدیدند که نقش سازماندهی اقتصادی و اجتماعی حوزه های نفوذ خود را ایفاء می‌کنند (لاندری، ۱۹۹۵).

در راستای نظریه وابستگی، بوبک^۲ بر پایه مطالعاتش در ایران بحث سرمایه‌داری بهره‌بری را مطرح می‌کند که براساس آن اختصاص مازاد تولیدات روستایی به شهرها سبب رشد و دوام شهرها می‌شود (سعیدی، ۱۳۷۷). این دیدگاه همانگونه که مذکور افتاد، اغلب پژوهشهای درباره روابط شهر و روستا را در ایران تحت تأثیر قرار داده است.

جهت درک کارکرد سکونتگاههای شهری و روستایی و نقش آنها در توسعه ناحیه‌ای (شهر و روستا) از روش تحلیل ارتباطات فضایی^۳ استفاده می‌شود. با این تحلیل مشخص می‌شود که: الگوی حرکت جمعیت از شهر به نواحی پیرامونی چگونه است؟ چه الگوی جریان تولیدات کشاورزی از نواحی روستایی به مراکز فروش وجود دارد؟ کدام نواحی مواد خام فعالیت‌های صنعتی را ارائه می‌دهند؟ کشاورزان برای تأمین نهاده‌های مورد نیاز و اعتبارات به چه مراکزی مراجعه می‌کنند؟ تنگناهای کلیدی سیستم ارتباطات موجود کدام است؟ در این روش تحلیل سیستم سکونتگاهی، اعم روابط شهر و روستا به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد (راندینلی، ۱۹۸۵).

ارتباطات فیزیکی شبکه راههای ارتباطی و سیستم حمل و نقل که موجب دسترسی جمعیت به خدمات اساسی شده و برقراری روابط اقتصادی و تجاری را ممکن می‌سازد.

ارتباطات جمعیتی از ویژگیهای تفکیک ناپذیر توسعه و شکل با اهمیت روابط شهر و روستا است. سیستم ارتباطات، حمل و نقل بین نواحی شهری و روستایی و موقعیت صنعتی شهر اغلب تعیین کننده مهاجرت موقت و مهاجرت‌های نیروی کار می‌باشد. مهاجرت‌های دائمی به عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی از جمله توان دستیابی شغل در شهر، سطح دستمزد، خدمات عمومی و تفاوت فرصت‌های آموزشی بین شهر و روستا و عواملی چون فاصله و هزینه‌های سفر بستگی دارد (ژوزف، ۱۹۹۷).

ارتباطات اقتصادی، روابط اقتصادی و شبکه بازاری عامل بسیار مهمی است که موجب جریان سرمایه، تولیدات صنعتی، فرآورده‌های کشاورزی و درآمد بین سکونتگاهها می‌شود. بین فعالیت‌های کشاورزی و تولیدات کارخانه‌ای ارتباط تولیدی^۴ پسین و پیشین^۵ برقرار می‌سازد و به تجاری شدن کشاورزی یاری می‌رساند (اسکینر، ۱۹۶۴).

شهرهای بازاری کانال مهمی است که از طریق آن مردم روستایی کالا و خدمات اساسی خود را به دست می‌آورند؛ تولیدات کشاورزی خود را به فروش می‌رسانند و از قیمت محصولات و رقابت بازار آگاهی پیدا می‌کنند و قدرت چانه زنی آنها افزایش می‌یابد. این روابط همچنین می‌تواند با بهبود کیفیت تولید، استاندارد کردن فرآوری و بسته بندی تولیدات، اتلاف منابع زارعان را کاهش دهد (رایلی، ۱۹۷۳).

وابستگیهای تکنولوژیکی برای توسعه نواحی، دسترسی به تکنولوژی متناسب با ظرفیت اداری، اقتصادی و اجتماعی از ضروریات است. ابزار آلات تکنولوژیکی، روندها و روشهای تولیدی

باید از نظر فضایی و عملکردی نیز یکپارچه شوند. اگر نوآوری های تکنولوژیکی متناسب با شرایط و نیازهای محلی باشد و به سطوح بالاتر و پایین تر تکنولوژی و داده های مربوطه مرتبط باشد، روند تحولات اجتماعی و اقتصادی ناحیه را تسریع خواهد کرد (پارنت، ۱۹۷۶).

ارتباطات اجتماعی، شهرها معمولاً علاوه بر فعالیتهای اقتصادی، نقاط کانونی انواع ارتباطات اجتماعی بین مکانهای مرکزی و پسرکرانه روستایی آنها می باشند. مراکز بازاری نقشهای اجتماعی متعددی در نواحی روستایی ایفا می کنند. انواع و میزان فعالیتهای اقتصادی اغلب با رویدادهای اجتماعی در رابطه اند. مکانهای بازاری که اغلب دارای انواع تسهیلات اجتماعی نظیر نمایشها، رستورانها، مراکز مذهبی، زیارتی و سینما هستند، نه تنها روستاییان را برای مبادله کالا و خدمات جذب می کنند، بلکه روستاییان جهت گذاران اوقات فراغت، دیدار دوستان و آشنایان و خویشاوندان خود به این گونه مراکز مراجعه می کنند (تایلور، ۱۹۷۲). در جوامع روستایی حتی فقیرترین زارعان هم به بازارها مراجعه می کنند زیرا قبول و قرارهای مربوط به ازدواج، تصمیم گیری مربوط به دریافت و پرداخت وام، یکپارچگی قبایل کوچکتر و ایجاد گره های خویشاوندی جدید معمول از فعالیتهای اجتماعی مراکز بازاری است (لاورنس، ۱۹۷۲).

روابط خدماتی مراکز شهری و نواحی روستایی باید در ارتباط نزدیک با یکدیگر باشند تا تبادل توزیع خدمات تجاری و اجتماعی تسهیل گردد. هر نوع خدماتی به آستانه جمعیتی با ابعاد و تراکم خاصی نیازمند است تا بتواند مشتری و تقاضای کافی برای استمرار آن کالا یا خدمات را فراهم آورده و امکان دسترسی بیشترین جمعیت را به خدمات عمومی با حداقل هزینه تأمین نماید. سطح جمعیت آستانه برای خدمات مختلف متفاوت است و به درجه تخصصی بودن کالا و خدمات، تراکم جمعیت، وضعیت اشتغال، توزیع درآمد، دسترسی به حمل و نقل و تحولات اقتصادی بستگی دارد. هرچه تعداد جمعیت بیشتر و تراکم جمعیت بالاتر باشد، اقتصاد مقیاس ایجاد شده بیشتر و ارائه خدمات با هزینه پایین تر میسر می گردد.

دامنه نفوذ خدمات نیز متفاوت است. منظور از دامنه نفوذ عبارت از فاصله ای است که خدمات می توانند گسترش یابند و یا مردم برای خرید یا استفاده از خدمات آن فاصله را طی می کنند. هرچه ناحیه نفوذ وسیعتر و تراکم جمعیت آن بیشتر باشد، امکان ارائه خدمات مناسب، بیشتر است. به همین دلیل هزینه سرانه تأمین آب و خدمات بهداشتی در جوامع کوچکتر، بیشتر است (بانک جهانی، ۱۹۷۶).

روابط اداری، سیاسی و سازمانی سیستم فضایی از طریق مجموعه ای ارتباطات سیاسی و اداری که ریشه در دولت، جریان بودجه عمومی، تصمیمات اداری، تصمیمات سیاسی غیر رسمی و وابستگی های درونی سازمانهای مختلف دارد، یکپارچه می گردد.

در هر ناحیه عملکردهای حکومتی، خدمات، و منابع در بین سازمانها و حوزه های مختلف تقسیم می شوند، در نتیجه ارتباطات بین سکونتگاهها رشد می یابد. ارتباطات بین سازمانهای حکومتی نه تنها خدمات، تسهیلات و منابع بودجه را از طریق سیستم فضایی توزیع می کند، بلکه بعنوان راهی برای کسب حمایتهای سیاسی و اختیارات جهت انجام فعالیتهایی که لازمه توسعه یکپارچه است، عمل می کند. عامل سازمآندهی در توسعه روستایی باید بعنوان سیستم نهادی شکل دهنده عملکردهای مختلف در بخش روستایی مورد توجه قرار گیرد. کارایی ارتباطات بین سازمانی و درون سازمانی بطور افقی با سایر سازمانها در سطح مشابه، مخصوصاً ارتباطات عمودی بین سازمانهای محلی و مراکز حکومتی که خط مشی و اختصاص بودجه را ارائه می دهند، از الزامات توسعه موفق روستایی می باشد (هاف، ۱۹۷۴).

با رشد مراکز شهری نقش دولت در ارائه خدمات افزایش می یابد. انواع مختلف خدمات بهداشتی، آموزشی، امنیتی، رفاهی و سایر خدماتی که معمولاً در نواحی روستایی بوسیله خانواده های گسترده ارائه می شود، در شهرها و نواحی متروپولیتن بوسیله دولت سازماندهی می گردد. تحلیل اینگونه ارتباطات می تواند ارتباطات لازم را در اختیار برنامه ریزان قرار داده، یکپارچگی سکونتگاههای ناحیه را تأمین و میزان دسترسی مردم بخشهای مختلف ناحیه به خدمات و تسهیلات شهری را تسهیل نماید.

۴. جمع آوری داده ها و روش تحقیق

تکیه گاه اساسی تحقیق، مطالعه میدانی است. داده های مربوط به الگوی ارتباطات، مبدأ و مقصد مواد اولیه، تولیدات کشاورزی و صنعتی، میزان دستیابی جمعیت به خدمات مختلف به روش مشاهده و پرسشگری بررسی شده است. برای این منظور شهرهای ایرانشهر، بمپور، مراکز بازاری، مراکز صنعتی، بهداشتی، آموزشی، پایانه های حمل و نقل و سکونتگاههای روستایی عمده در ۱۶ مسیر مختلف از شهر ایرانشهر به عنوان نقاط نمونه انتخاب و از آنها بازدید به عمل آمده است؛ با کارکنان، سالخوردگان و خبرنگاران محلی گفتگو به عمل آمده و به اقتضای ادبیات مسأله، شیوه اسنادی نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

داده های تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و در چارچوب ارتباطات فضایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و جهت تعیین وضعیت دسترسی مردم ناحیه به خدمات مختلف، از مدل^۱ تحلیل دسترسی^۲ (راندینلی، ۱۹۸۵) استفاده شده است. رابطه بین ارتباطات فیزیکی و کمیت و کیفیت خدماتی که در دسترس مردم قرار می گیرد، بوسیله رویکرد^۳ "ار. اس. دیک" بررسی می شود که نیازمند نقشه ای از دامنه خدمات متفاوت در جهت های مختلف از مکان مرکزی است (راندینلی، ۱۹۸۵). نتایج حاصله، در آزمون فرضیه تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

۵. داده های تحقیق

ایران شهر از شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران می باشد. از نظر ناهمواری، ناحیه حوزه شرقی باتلاق جازموریان را تشکیل می دهد که شمال غرب و جنوب آن به ارتفاعاتی محدود می شود. تنها رودخانه دائمی آن رود بمپور با آبدی متوسط $3/34$ متر مکعب در ثانیه می باشد که از ارتفاعات "کارواندر" سرچشمه می گیرد و به باطلاق جازموریان می ریزد. متوسط دمای هوا در ناحیه حدود $9/26$ درجه و میزان متوسط بارندگی سالیانه آن حدود 126 میلیمتر می باشد. این شهرستان دارای 41730 کیلومتر مربع وسعت و دو نقطه شهری "ایران شهر" و "بمپور" 210 دهستان و 1181 آبادی می باشد.

تراکم نسبی جمعیت در ناحیه $7/1$ نفر در کیلومتر مربع و جمعیت شهری $3/28$ درصد جمعیت ناحیه را تشکیل می دهد. این شهرستان در سال 1375 ، 295456 نفر جمعیت داشته که 90976 نفر در شهر "ایران شهر" ساکن بوده اند. نقشه شماره 1 موقعیت ناحیه مورد مطالعه را نشان می دهد.

توزیع جمعیت در ناحیه ایران شهر بر حسب دهستانهای مختلف متفاوت است و توزیع جمعیت از ناهمواری، مسیر رودهای بمپور و سرباز و نیز مسیر راههای ارتباطی تبعیت می کند (نقشه ۲).

همانگونه که در نقشه شماره یک ملاحظه می کنید پراکندگی جمعیت در آبادیهای ناحیه ایران شهر توازن ندارند چنانکه روستاهای کمتر از 100 نفر جمعیت، $29/65$ درصد آبادیها را تشکیل می دهد.

جدول ۱

آبادی های ایران شهر بر حسب تعداد جمعیت در سال ۱۳۷۵

طبقات جمعیتی	جمع	۱-۲۳	۲۵-۳۹	۵۰-۹۹	۱۰۰-۲۳۹	۲۵۰-۳۹۹	۵۰۰-۹۹۹	۱۰۰۰-۳۹۹۹	۴۰۰۰-۳۹۹۹۹	بیشتر از ۵۰۰۰
تعداد	۱۰۰	۲۶۸	۲۶۳	۲۳۰	۲۰۷	۱۱۳	۵۲	۳۲	۳	۱
درصد	۱۰۰	۳۲/۶۹	۳۲/۲۷	۲۰/۳۳	۱۷/۵۳	۹/۵۷	۴/۵۷	۲/۷۱	۰/۲۵	۰/۰۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان ایران شهر، سال ۱۳۷۵، ص ۱۲.

جمعیت شهر ایران شهر بر حسب زمان و در فاصله سالهای مختلف نیز یکسان نیست بطوری که جدول ۲ و نمودار ۱ نشان می دهد، بیشترین میزان رشد جمعیت در ناحیه در دهه های $1355-1375$ بویژه دهه $55-65$ صورت گرفته است.

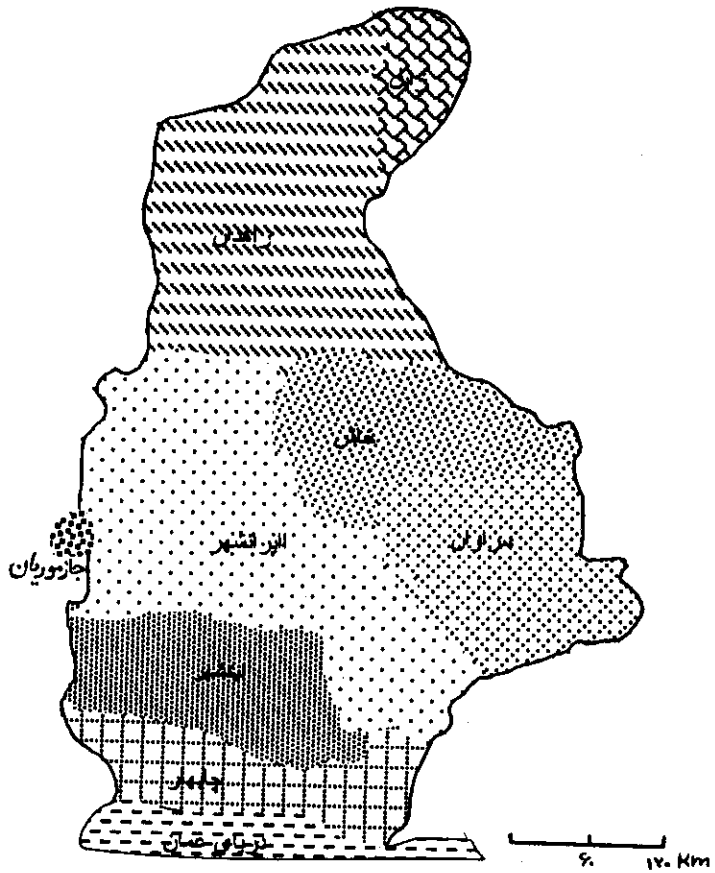
جدول ۲

رشد جمعیت شهر ایران شهر در سالهای ۱۳۳۵-۱۳۷۵

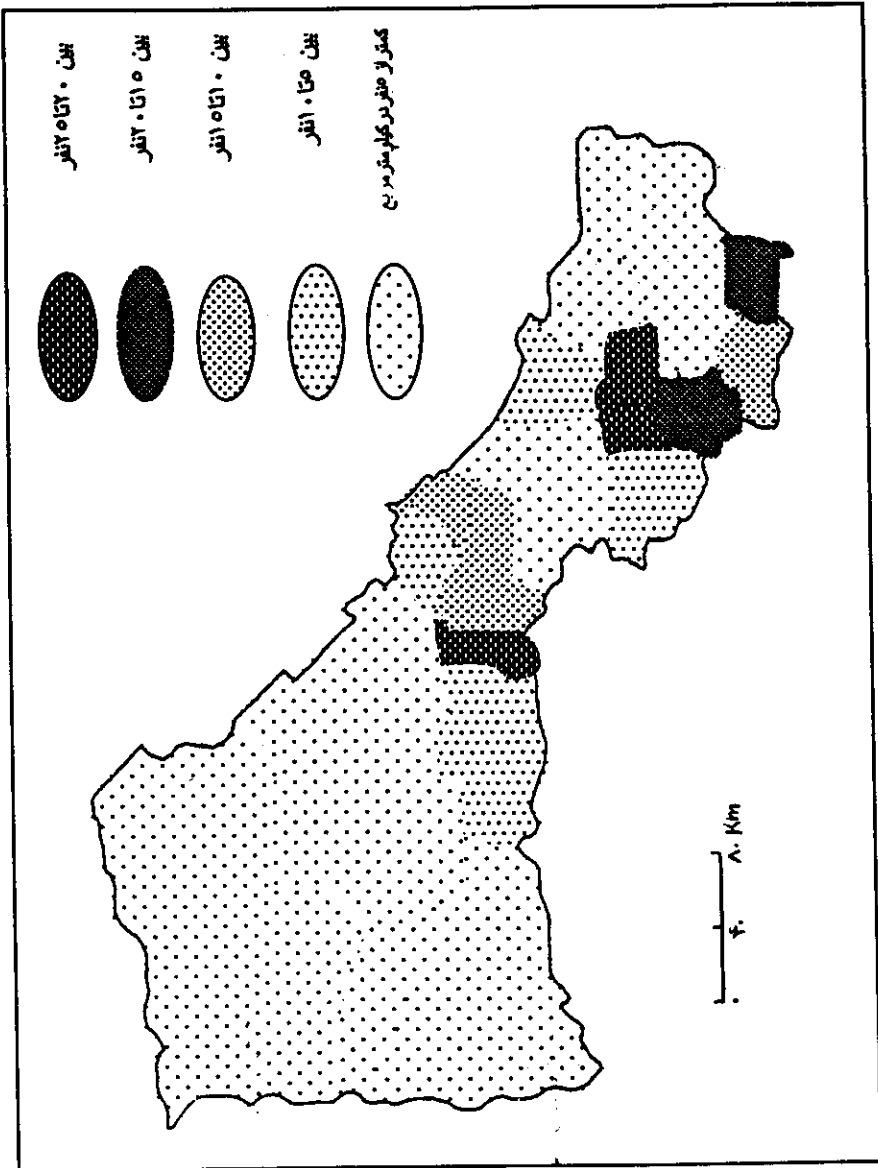
۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۳۶۱۸	۵۲۸۶	۱۱۳۸۶	۴۰۰۲۷	۷۵۱۱۵

منبع: مرکز آمار ایران

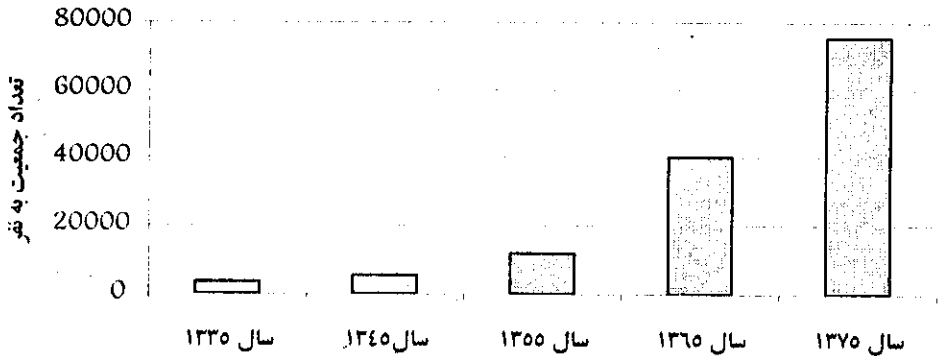
نقشه شماره ۱: موقعیت ناحیه ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان



شکل شماره ۱: توزیع جمعیت روستایی در منطقه ارضستان



نمودار شماره ۱: جمعیت شهرایران شهر در سالهای مختلف



رشد جمعیت شهری بر اثر عوامل مختلفی از جمله: افزایش مولید (سازمان ثبت و احوال ۱۳۷۳)، الحاق روستاهای پیرامونی به محدوده شهر نظیر روستاهایی که "محله گندمکان" شهر را به وجود آورده و پذیرش مهاجران صورت گرفته است.

در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ در مجموع ۱۷۲۵۵ نفر وارد نقاط شهری (ایران شهر و بمپور) شده‌اند که از بین آنها ۳۴۵۵ نفر از نقاط روستایی همین شهرستانها بوده‌اند. از سایر نقاط کشور ۱۸۷۴ نفر و نیز ۱۹۲۶ نفر از خارج از کشور بوده‌اند، یعنی مهاجران روستایی همین شهرستانها که وارد نقطه شهری شده‌اند تنها ۲۰/۰۳ درصد کل مهاجران بوده است که اغلب از ناحیه بمپور نیروی کار ساده و کارمندان به ایران شهر مهاجرت کرده‌اند. مهاجران سایر نقاط استان اغلب از سراوان و خاش بوده‌اند.

مهاجران خارجی از بلوچستان پاکستان و افغانستان بوده‌اند که در محله "دولت آباد" شهر سکونت کرده‌اند. بنابراین اگر در دهه ۶۵-۷۵، رشد جمعیت شهر ایران شهر حدود ۶/۵ درصد بوده است، رشد جمعیت در حوزه روستایی شهرستان از ۱۱۸۵۶۸ نفر به ۲۱۱۶۵۴ نفر رسیده که بیانگر رشد ۵/۹۶ درصدی است (مرکز آمار ایران).

مهاجرت کارگران ساده از نواحی دامن، بمپور و بزمان، بطور روزانه به شهر ایران شهر قابل توجه است. علاوه بر این سرویسهای کارخانه بافت بلوچ روزانه کارگران را برای کار از مناطق بزمان، لاشار، شهر دراز و دامن به ایران شهر انتقال می‌دهند.

از مراکز شهری علاوه بر محدودی نیروی کار ماهر که در کارگاهها و برخی صنایع مستقر در روستاها اشتغال دارند، باید از گروههای جمعیت شهری نام برد که در روستاهای اجدادی

خود بخصوص در روستاهای مجاور شهر در بخش کشاورزی خرما سرمایه گذاری می‌کنند و رابط شهر و روستا هستند. بخش قابل توجهی از نیروی کار ناحیه به چابهار، بندر عباس و بسیاری کشورهای عربی خلیج فارس مهاجرت کرده‌اند. هم اکنون اغلب نیروهای خدماتی و حفاظتی بندر آزاد چابهار را مهاجران بمپوری تشکیل می‌دهند.

خرما از تولیدات با اهمیت در زندگی مردم ناحیه بوده (پاپلی یزدی، ۱۳۶۵) و در عین حال از محصولات تجاری ناحیه است. اغلب خرمای تولیدی بوسیله واسطه های خارج از ناحیه (بمی و یزدی) که بر بازار ناحیه تسلط دارند، به قیمت ارزانی پیش خرید و در بازارهای مناطق دیگر با قیمت زیادتری به فروش می رسد.

مرکبات از محصولات تولیدی ناحیه بزمان و دره سرباز است که در شهریور ماه برداشت می‌شود؛ تسلط سلف خرما در این بخش ناچیز است. خرپزه درختی در جنوب ناحیه در حد محدود تولید می شود.

کشت صیفی به تبعیت از خصلت خود در مراکز پر جمعیت تر بمپور و یا در مسیر راههای ارتباطی توسعه یافته است. در حومه بلا فصل شهر کشت صیفی بصورت مکانیزه و با استفاده از پمپ آب در وسعتی بالغ بر ۲۴۰۰ هکتار، بعد از انقلاب اسلامی به زیر کشت برده شده است؛ در توسعه این محصول نوآوری و ابتکار افراد با سرمایه و ذوق شهری و نیز خلاقیت مهاجران یزدی تأثیر فراوان داشته و منجر به توسعه روابط سرمایه داری در بهره‌برداری کشاورزی شده است.

کشت محصول تجاری "حنّا" و "سیب زمینی" از دهه ۱۳۷۰، در ناحیه "دلگان" توسعه پیدا کرده است. این محصولات در آنجا به دلیل برخورداری از آب و خاک مرغوب با حمایت اعتباری دولت جانشین کشت خود مصرفی گندم شده است. علت اصلی نوآوری ورود کشاورزان یزدی و جیرفتی به ناحیه می‌باشد. محصول "حنّا" در بازار ایرانشهر، کرمان و زاهدان به فروش می‌رسد. جدول ۳ تولید محصولات عمده کشاورزی ناحیه را در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸ نشان می‌دهد که بیانگر افزایش میزان تولید در دوره مزبور می‌باشد.

جدول ۳

تولید محصولات عمده کشاورزی ناحیه ایرانشهر در سالهای

۱۳۶۵ و ۱۳۷۸ برحسب تن

سال	گندم	جو	برنج	سبزی	جالیزی	صنعتی	یونجه
۱۳۶۵	۱۹۲۰۰	۱۲۰۰	۱۸۲۰	۷۰۷۰	۶۷۵۰	۴۲۶	۲۶۲۵۰
۱۳۷۸	۴۵۲۴۰	۲۲۰۰	۲۸۸۰	۵۷۲۲۵	۳۱۰۱۵	۱۳۹۰	۵۰۰۰۰۰

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامہ ریزی، آمارنامه استان سیستان و بلوچستان، سالهای ۷۸-۱۳۶۵

از بین واحدهای مهم کارگاهی و صنعتی ایرانشهر، تنها واحدی که بتوان نام صنایع بدان نهاد، کارخانه بافت بلوچ است. این واحد تولیدی با ۱۷۲۰ نفر نیروی کار شاغل اعم از استخدام تمام وقت یا قراردادی، مواد اولیه خود را از گرگان، قم و کاشان خریداری می‌کند. الیاف مصنوعی از اصفهان تهیه می‌شود و محصولات تولیدی کارخانه در سطح کشور و به قولی به کشور ترکیه هم صادر می‌شود. کارگران بومی این واحد صنعتی از فواصلی چون بمپور، لاشار، بلوچگان در مسیر خاش، ابر در مسیر سراوان و شهر دراز در مسیر چابهار به کارخانه رفت و آمد می‌کنند.

تولیدات واحدهایی چون تیرچه بلوک، شن و ماسه ساختمان سازی و راه سازی علاوه بر این که در حوزه ایرانشهر توزیع می‌شود، به ناحیه چابهار نیز ارسال می‌گردد زیرا در آنجا به دلیل برتری ساختهای دریایی، شن و ماسه مرغوب وجود ندارد. مسیر دیگر انتقال این تولیدات ناحیه سراوان است (اداره کل صنایع استان، ۱۳۷۸). سایر کارگاهها شامل آجر، صنایع غذایی، رنگرزی، آرد سازی و نان ماشینی اغلب تولید محدود داشته و محصولات آنها در سطح محلی جذب می‌شود.

اوایل انقلاب اسلامی حدود ۱۵۴ واحد تولیدی با برخورداری از امتیازات دولتی، جهت تشویق و تقویت سرمایه‌گذارهای صنعتی در ناحیه دایر گردید که اغلب آنها از جمله کارگاه کولر سازی ایرانشهر، کارگاه میخ سازی، کارگاه جک البرز، شرکت توپ سازی، شرکت تولیدی اوژن که تولید کننده "خودکار" بود، کارگاه واکس سازی، کارگاه سنگ شکن و پارچه بافی "گرد بافت" تعطیل شده‌اند.

اغلب واحدهای تولیدی در ایرانشهر و حومه آن استقرار دارند، تنها چند واحد نظیر کارخانه آهک روستای بیزانج* در مسیر جاده ایرانشهر خاش و صنایع فلزی سرباز، محمد آباد، لاشار، خیر آباد، فنوج و پیشین، صنایع غذایی فنوج و صنایع شیمیایی بزمان، شمس آباد و محمد آباد بمپور که در مجموع کمتر از ۳۰ درصد واحدهای تولیدی خارج از شهر ایرانشهر فعالیت دارند، با این حال تاکنون ایرانشهر نتوانسته جاذب سرمایه‌گذارهای صنعتی قابل توجهی باشد. از مجموع ۵۰۱۸۲ نفر جمعیت شاغل ناحیه در سال ۱۳۷۵ تنها ۱۰/۶۷ درصد در بخش صنعت مشغول به کار بوده‌اند که این نسبت در ناحیه شهری نیز حداکثر ۱۳/۲۱ درصد بوده و در ناحیه روستایی غیر قابل توجه و ۳/۴ درصد بوده است که حاکی از عدم توسعه صنعت در ناحیه می‌باشد. از ۹۱ واحد صنعتی شهر تنها ۴ واحد به نوعی در ارتباط با تولیدات کشاورزی است.

از تولیدات صنایع دستی ناحیه، گروهی نظیر سیاه چادر، زاک، هیزاک لوازم زینتی خانوارها را تولید می‌کنند و جنبه مصرف خانوادگی دارند. فقط تولیداتی از جمله حصیر، سوزن دوزی، سکه دوزی، قالی بافی و پریوار دوزی علاوه بر مصرف خانوادگی به بازار نیز عرضه

می‌شود اما این تولیدات به دلیل محدودیت بازار مصرف خارجی و مشکلات تهیه مواد اولیه بسیار محدود شده است.

در ناحیه ایرانشهر مراکز شهری نقش ضعیفی در برقراری ارتباطات اجتماعی به مفهوم مرسوم دارد. در مقابل روابط اجتماعی، مبتنی بر رسوم کهن اجتماعی (کارل سالزمن، ۱۳۷۵) است، از جمله: مردم برای برقراری مراسم مخصوص اعیاد مذهبی از روستاها و شهرکها به نزدیکترین محل برگزاری این مراسم مراجعه می‌کنند. تحت عنوان مراسمی موسوم به "بچار" (تعاون) همه خانواده ها اعم از فقیر و غنی از جوانانی که ازدواج می‌کنند حمایت مالی به عمل می‌آورند. حوزه های علمیه از کانونهای تعامل اجتماعی در ناحیه است. مکانهای آبیاری مزارع در طول سال از دیگر محل های برقراری روابط اجتماعی در ناحیه محسوب می‌شود روابط خانوادگی و قومی و خویشاوندی مستحکم‌ترین عامل برقراری ارتباطات اجتماعی در ناحیه است که در اثر آن جمعیت از بمپور، دامن، بزمان، ابتر، لاشار، دلگان به ایرانشهر و بالعکس جهت بازدیدهای قومی و قبیله‌ای در حرکتند.

با استفاده از مدل "تحلیل دسترسی" (جدول ۴) مشخص می‌شود که از نظر دسترسی به خدمات بیمارستانی، مدارس پیش دانشگاهی، خدمات اداری نظیر خدمات قضایی، بانکی، ثبت احوال، خدمات کشاورزی و خدمات تجاری، حداقل ۵۸/۵ درصد در فاصله زمانی بیش از ۰/۵ ساعت و در فاصله مکانی بیش از ۳۰ کیلومتر مستقر هستند که با توجه به کیفیت جاده، وضعیت حمل و نبود وسیله نقلیه عمومی آماده حرکت در بسیاری از اوقات، می‌توان گفت که وضعیت مطلوبی از نظر دسترسی به خدمات مزبور ندارند. از نظر دسترسی به خدمات آموزشی و دبیرستانی نیز با توجه به وضعیت حمل و نقل ناحیه ۱۳/۴ درصد جمعیت از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشند. مجموع جمعیت مزبور از نظر دسترسی به خدمات تخصصی بیمارستانی نظیر تخصصهای چشم پزشکی، سوختگی، پوست، مغز و اعصاب و روان، قلب و عروق، کلیه و بیماریهای زنان و زایمان نیازمند خدمات زاهدان می‌باشند و یا در مواردی جمعیت برای استفاده از خدمات پزشکی آزمایشگاهی به رفسنجان و برای بیماریهای زنان به یزد مراجعه می‌کنند. جمعیت ناحیه همچنین خدمات تعمیر وسایل موتور چاه آب خود را از طریق کرمان تأمین می‌کنند. چنین فاصله زمانی و مکانی در مواقع اضطراری و یا زمانی که محصولات فاسد شدنی نیازمند انتقال سریع به بازار است، مشکل آفرین می‌گردد. مشکلات حمل و نقل و راهها در نواحی پیرامونی بسیار حادثتر می‌گردد. در نتیجه محصولات کشاورزی نمی‌توانند با قیمت مناسب به بازار برسند؛ هزینه حمل و نقل از قیمت فروش فراتر می‌رود و یا در فصول گرم، سوخت به مولدهای برق روستایی نمی‌رسد و مردم آب گرم می‌نوشند و یا مدرسه بدون معلم می‌ماند و یا بیمار در ده و بخش نمی‌تواند به مراکز درمانی بالاتر مراجعه کند.

دسترسی جمعیت روستایی به آب آشامیدنی و برق نیز با مشکلات مواجه است چنانکه جدول ۵ نشان می‌دهد در ناحیه ایرانشهر ۲۶ درصد از جمعیت روستایی به آب آشامیدنی دسترسی ندارند و حدود ۴۷ درصد آنان از نعمت برق بی بهره اند. این افراد به ترتیب در ۸۳/۷ درصد و ۸۴/۴ درصد روستاها زندگی می‌کنند و بیانگر آن است که پراکندگی روستاهای کوچک در ناحیه هرگونه برنامه های خدمات رسانی را با مشکل مواجه می‌سازد.

جدول ۴

تحلیل دسترسی (ایرانشهر)

فاصله به کیلو متر	۰	۱-۲۰	۲۱-۱۰۰	۱۰۱-۱۵۰	بزرگتر از ۱۵۱
فاصله به ساعت	۰	۰/۲۵-۰/۵	۰/۵-۱/۵	۱/۵-۲/۵	بزرگتر از ۲/۵
جمعیت تحت پوشش بیمارستان به درصد	۲۴/۷	۱۶/۸	۱/۴	۳۴/۱	۲۳
جمعیت تحت پوشش مدارس پیش دانشگاهی به درصد
جمعیت تحت پوشش خدمات اداری و بانکی به درصد
جمعیت تحت پوشش خدمات تجاری و بازاری به درصد
جمعیت تحت پوشش خدمات دهبهرستانی به درصد	۸۶/۶	۸/۴	۵

منبع: بررسی محلی

جدول ۵

روستاها و جمعیت روستایی ناحیه ایرانشهر تحت پوشش انواع خدمات

نواحی	انواع برنامه	تعداد روستاهای برخوردار	درصد نسبت به کل روستاها	تعداد جمعیت برخوردار	درصد نسبت به کل جمعیت زاهدان
ایرانشهر	آب آشامیدنی	۱۹۶	۱۶/۳	۱۳۳۷۶۰	۶۴
	برق	۱۸۷	۱۵/۶	۱۱۱۳۹۹	۵۲/۳۲

منبع: برنامه دو ساله توسعه شهرستان نیکشهر ۷۸-۱۳۷۷، سازمان برنامه و بودجه استان، نشریه شماره ۷۷،

سال ۱۳۷۶، ص ۷۴.

در این ناحیه هرچه روستاها کوچکتر و پراکنده‌تر و تعداد جمعیت آنها کاهش می‌یابد، هزینه خدمات رسانی افزایش یافته و ارائه خدمات با دشواری مواجه می‌شود. جدول ۶ نشان می‌دهد که در ناحیه ایرانشهر ۱۰۰ درصد روستاهای بالاتر از ۲۰۰۰ نفر جمعیت تحت پوشش برنامه های آب رسانی قرار گرفته اند در حالی که این نسبت با کاهش جمعیت روستاها کاهش

یافته و در روستاهای دارای کمتر از ۲۵۰ نفر جمعیت به ۳ درصد روستاها و ۵ درصد جمعیت کاهش می‌یابد و در مجموع ۹۰ درصد روستاها از برنامه های آب سالم بی بهره مانده اند.

جدول ۶

درصد روستاها و درصد جمعیت روستایی برخوردار از آب آشامیدنی بر حسب جمعیت

سکونتگاهها در ناحیه ایرانشهر (۱۳۷۵)

عنوان	بیش از ۲۰۰۰ نفر	۱۰۰۰-۱۹۹۹ نفر	۵۰۰-۹۹۹ نفر	۲۵۰-۴۹۹ نفر	کمتر از ۲۵۰ نفر
روستا	۱۰۰	۸۸	۴۲	۳۳	۳
جمعیت	۱۰۰	۸۹	۴۱	۳۴	۵

منبع: جهاد سازندگی استان و مرکز آمار ایران ۱۳۷۵

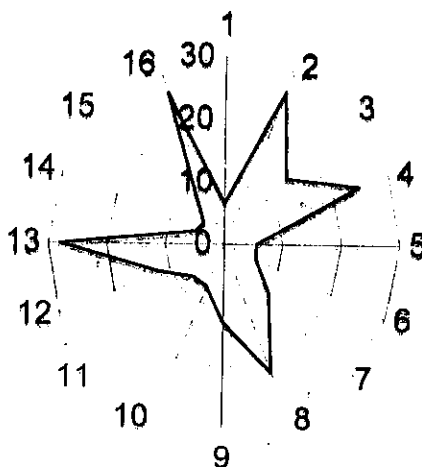
بررسی نشان می دهد که بین استفاده از خدمات شهری و ارتباطات فیزیکی رابطه‌ای برقرار است. برای این منظور از رویکرد آر. اس. دیک با استفاده از سه عملکرد خدمات آموزشی، خدمات بهداشتی و خدمات خرده فروشی کالا در ۱۶ مسیر مختلف از شهر ایرانشهر دامنه ارائه خدمات اندازه گرفته شد (نمودار ۲) آنگاه با استفاده از روش فوق، تغییر پذیری نسبی دامنه خدمات محاسبه گردید که عدد ۲/۵۲ درصد به دست آمد (جدول ۷). این عدد بیانگر آن است که بین مرزهای نواحی خدماتی هماهنگی نسبتاً کاملی وجود دارد و در مسیر شعاعهای شماره ۲، ۴، ۸ و ۱۳ دامنه عملکرد خدمات گسترده تر از سایر شعاعهاست و این شعاعها به ترتیب منطبق با مسیرهای ارتباطی ایرانشهر - خاش، ایرانشهر - زابلی، ایرانشهر - چابهار و ایرانشهر - بمپور است.

جدول ۷
محاسبه تغییر پذیری دامنه خدمات در ناحیه ایرانشهر

(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	۲-۵	۳-۵	۴-۵	D
۱	۶/۲	۶/۸	۶/۸	۶/۶	-۰/۴	۰/۲	۰/۲	۰/۲۶
۲	۲۵	۲۷/۲	۲۷	۲۶/۴	-۱/۴	۰/۸	۰/۶	۰/۹۳
۳	۱۳	۱۵/۴	۱۶	۱۴/۸	-۱/۸	۰/۶	۱/۲	۱/۲
۴	۲۴	۲۵/۱	۲۵	۲۴/۷	-۰/۷	۰/۴	۰/۳	۰/۴۶
۵	۵/۶	۵/۲	۶	۵/۶	۰	-۰/۴	۰/۴	۰/۲۶
۶	۵/۳	۶/۴	۶	۵/۹	-۰/۶	۰/۵	۰/۱	۰/۴
۷	۱۰/۹	۱۱/۵	۱۱	۱۰/۹	-۰/۷	۰/۶	۰/۱	۰/۴۶
۸	۲۱/۸	۲۲/۳	۲۳	۲۲/۴	-۰/۶	۰/۱	۰/۶	۰/۴۳
۹	۱۱/۹	۱۲/۵	۱۳/۱	۱۲/۵	-۰/۶	۰	۰/۶	۰/۴۰
۱۰	۶/۹	۷	۸	۷/۳	-۰/۴	۰/۳	۰/۷	۰/۴۶
۱۱	۶/۸	۷/۶	۷/۵	۷/۳	-۰/۵	۰/۳	۰/۲	۰/۳۳
۱۲	۱۱/۵	۱۲	۱۲/۲	۱۱/۹	-۰/۴	۰/۱	۰/۳	۰/۲۶
۱۳	۲۷/۹	۲۸	۲۸/۵	۲۸	-۰/۵	۰	۰/۵	۰/۳۳
۱۴	۴/۴	۴/۱	۵/۳	۴/۶	-۰/۲	۰/۵	۰/۷	۰/۴۶
۱۵	۴/۱	۴	۴/۸	۴/۳	-۰/۲	-۰/۳	۰/۵	۰/۳۳
۱۶	۲۳/۸	۲۵/۲	۲۶	۲۵	-۱/۲	۰/۲	۱	۰/۸
R				R=13/36				

منبع: محاسبه با استفاده از بررسی محلی، (۱= شعاع خدماتی و جهت آن)، (۲= دامنه خدمات خرده فروشی به کیلومتر)
(۳= دامنه خدمات آموزشی به کیلومتر) (۴= دامنه خدمات بهداشتی به کیلومتر) (۵= متوسط دامنه خدمات)

نمودار شماره ۲: تغییر پذیری دامنه خدمات در ناحیه ایرانشهر



در این نمودار متوسط دامنه خدمات بر حسب کیلومتر می باشد

در ناحیه ایرانشهر اداره آموزش و پرورش برای تسریع کار و جلوگیری از تمرکز بیش از حد امور اقدام به دایر کردن اداراتی تحت عنوان "منطقه آموزش و پرورش" در مناطق دلگان، بمپور، سرباز، بزمان، راسک علاوه بر منطقه ایرانشهر نموده است. منطقه عشایری آموزش و پرورش نیز شعبه دیگری از این گونه ادارات است. در نتیجه حداقل از نظر کمی بطور نسبی شاهد تعادلی در توزیع و ارتباط عمودی ستادهای آموزش و پرورش می‌باشیم.

مشارکت بخش خصوصی در آموزش عمومی ناچیز است. در سطح دبیرستان دو درصد، در سطح راهنمایی پنج درصد و در سطح ابتدایی نیز دو درصد دانش آموزان تحت پوشش مراکز غیر انتفاعی هستند. دانش آموزان علاقه مند و توانگر ناحیه برای برخوردارگی از خدمات برتر آموزشی، به بمپور و در نهایت به ایرانشهر مراجعه می‌کنند.

در بمپور علاوه بر دبیرستانها، مرکز آموزش کشاورزی نیز دایره می‌باشد که از سال ۱۳۷۷ در سطح کاردانی کشاورزی به تربیت دانشجویان می‌پردازد. ۹۰ درصد کادر آموزشی این مرکز از شهر ایرانشهر تأمین می‌شود. "نوکجوب" در حومه ایرانشهر دارای مرکز شبانه روزی پیش دانشگاهی است که از مناطق راسک، دلگان، سرباز، بزمان و نیز نواحی نیکشهر و بخشهایی از سراوان و خاش دانش آموزان را جذب می‌کند، با این حال درصد جمعیت باسواد شهری، ۷۱/۲۶ و درصد جمعیت باسواد روستایی ۴۵/۰۵ درصد است.

ارائه خدمات پشتیبانی کشاورزی و تولیدی به عهده شعبات مجموعه‌ای از وزارتخانه‌ها و سازمانها در سیستم مدیریت بخشی است. در ۲۱ روستای ناحیه مرکز خدمات روستایی وابسته به وزارت کشاورزی دایر است. این مراکز ارائه خدمات به کشاورزان را به عهده دارند تا قبل از ادغام وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی بین این دو سازمان تداخل وظایف و ناهماهنگی وجود داشت که منجر به مشکلات فراوانی می‌شد. هم‌اکنون بین وزارت جهاد کشاورزی، اداره راه، اداره کل امور عشایری، برق منطقه‌ای، سازمان صنایع دستی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی، شرکت آب و فاضلاب و شرکت سهامی برق منطقه ای استان در بسیاری موارد تداخل وظایف سازمانی وجود دارد که گاهی فعالیت‌های یکدیگر را خنثی می‌کنند. در صورتی که شهر باید با ارائه خدمات پشتیبانی تولید و ارائه نهاده‌ها و نیز تأمین بازار فروش به تجاری کردن تولید کشاورزی کمک نماید (رن، ۱۹۹۰).

وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از طریق مرکز بهداشت شهرستان و مراکز بهداشت روستایی و خانه‌های بهداشت امر تأمین بهداشت و درمان را به عهده دارد اما چون کار این وزارتخانه بدون هماهنگی با دیگر سازمانهای دست اندرکار نظیر جهاد کشاورزی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به نتیجه مطلوب منجر نمی‌گردد، اغلب به درمان بیمارها اکتفا می‌شود و در بخش بهداشت و پیشگیری توفیقی حاصل نمی‌گردد.

۶. تجزیه و تحلیل داده ها

بررسی روابط موجود بین شهر و روستا در ناحیه نشان می‌دهد که از نظر جمعیتی ایران‌شهر درصد ناچیزی از مهاجران روستایی ناحیه را پذیرفته است (در دهه ۷۵-۶۵، حدود ۳۴۵۵ نفر). برخی از این مهاجران کارمندان آموزش و پرورش شهرک بمپور بوده‌اند که جهت استفاده از خدمات شهری ایران‌شهر در آن شهر اقامت گزیده‌اند و برخی دیگر کارگران ساده روستایی بوده‌اند که در بخشهای خدماتی، کارگری ساختمان، واحدهای کارگاهی و کارخانه بافت بلوچ مشغول به کار شده‌اند.

جمعیت حوزه نفوذ روستایی نیز همچنان به رشد خود ادامه داده است (رشد جمعیت شهر در دهه ۷۵-۶۵ حدود ۶/۵ درصد و رشد جمعیت حوزه نفوذ روستایی ۵/۹۶ درصد بوده است). بنابراین رشد جمعیت شهر منجر به تخلیه جمعیت روستایی نشده است. ممکن است بخشی از آن در نتیجه گشایشی باشد که در فرصتهای شغلی حوزه های روستایی نظیر کشت محصولات صنعتی دلگان و سبزی کاری پیرامون شهر صورت گرفته اما شواهد، بیشتر حاکی از آن است که شهر توانایی جذب نیروی کار روستایی را نداشته است. رشد شهر نسبت به گذشته بنیان تولید کشاورزی را نیز تضعیف نکرده است چنانکه تولیدات کشاورزی نسبت به گذشته رشد قابل توجهی داشته است (جدول ۳). بنابراین ناحیه روستایی در اثر اتلاف نیروی کار خود، آسیب ندیده بلکه با حفظ جمعیت روستایی، ورود کشاورزان نوآور یزدی و جیرفتی به کشاورزی ناحیه تحرکی بخشیده است. پس مشکل ناحیه فقدان نیروی کار نیست بلکه توسعه نیافتگی نیروی کار و عقب ماندگی کل ناحیه است. به همین دلیل کل ناحیه اعم از شهر و روستا مقدار قابل توجهی از نیروی انسانی خود را به مقصد چابهار، بندرعباس و کشورهای عربی خلیج فارس تجربه کرده است؛ زیرا جمعیت مهاجر ناحیه بدلیل فاصله فیزیکی و اجتماعی، تمایلی به مهاجرت به بخشهای داخلی کشور را ندارد. در مقابل تعداد بسیار معدودی نیروی کار تحصیل کرده و یا ماهر شهری بطور روزانه راهی واحدهای آموزشی، بهداشتی و برخی واحدهای تولیدی نواحی روستایی می‌شوند.

چون واحدهای زراعی ناحیه پراکنده و بضاعت مالی زارعان ناچیز است و زارعان از قیمت خرید و بازاریابی محصولات آگاهی ندارند، راههای مناسب و وسایل نقلیه مطلوب جهت انتقال به موقع محصولات به بازار مصرف و خرید در اختیار نمی‌باشد، در شهر سردخانه جهت نگهداری تولیدات و صنایع فرآوری و بسته بندی محصولات وجود ندارد، واسطه‌های خارج از ناحیه بر بازار محصولات کشاورزی ناحیه تسلط دارند و بخشی از اضافه تولید کل ناحیه از ناحیه خارج می‌شود و در مواردی نظیر کشت مرکبات، چون محصول به صورت "نوبر" و زودتر از سایر نقاط کشور به بازار عرضه می‌شود، به همان اندازه کشاورزان از قید سلف خران آزادند. اما محصولات فاسد شدنی در فصل برداشت محصول با فقدان بازار و رکود مواجه شده که موجب

اتلاف دسترنج کشاورزان ناحیه می‌شود. بنابراین شهر قادر به تشویق شایسته تولیدات کشاورزی نیست و اضافه تولید روستایی را نیز نمی‌تواند به نفع خود زهکشی کند.

بین بخش کشاورزی و صنعت ارتباط پسین و پیشین سازنده‌ای برقرار نیست و همدیگر را تقویت نمی‌کند. در نتیجه شهر قادر به ایفای نقش مهمی در تجاری کردن محصولات کشاورزی نمی‌باشد. مواد اولیه بافت بلوچ از سایر نقاط وارد می‌شود در حالی که تا سالهای ۱۳۴۸ کشت پنبه در ناحیه رایج بود و در سال ۱۳۴۸ که آفت "کرم سرخ" پنبه از طریق پاکستان در دشتیاری و باهوکلالت رایج شد، کشت پنبه در چابهار تعطیل، ایرانشهر و خاش از نظر کشت پنبه ناحیه احتیاطی اعلام شد، در سال ۴۹ تولید پنبه در ناحیه به کلی حذف گردید و اکنون زراعت سنتی از ریسک استقبال نکرده و شروع کشت پنبه را منوط به پیش پرداخت کارخانه دانسته و کارخانه نیز حاضر به هیچگونه تعهد و پیش قراردادی با زارعان در رابطه با خرید پنبه در آینده نیست و این کلاف پیچیده همچنان بسته باقی مانده است. بدین ترتیب این واحد تولیدی در مدت فعالیت خود از سال ۱۳۵۳ تاکنون هیچگونه تحولی در تولید مواد اولیه (پنبه) در محل برغم شرایط طبیعی مطلوب کشت این گیاه و سابقه آن در ناحیه نداشته است. به نظر می‌رسد که حفظ اشتغال ۲۱۰۰ نفره در منطقه به اصطلاح محروم تنها هدف این شرکت صد در صد دولتی باشد. سایر صنایع نه تنها ارتباط مکملی با یکدیگر نداشته بلکه ارتباط مستمری با مواد اولیه موجود و یا مصرف کنندگان محلی ندارند. در نتیجه قدرت خرید روستاییان پایین است. در ناحیه بدلیل محدودیت بازار و فقدان ارتباطات سازنده سرمایه گذاری صنعتی جذب نمی‌شود. به همین دلیل و نیز بدلیل برخی مسایل اجتماعی دیگر صنایعی که با استفاده از یارانه دولتی در شهر ایجاد شده بودند، تعطیل و یا از آنجا منتقل شده اند در حالی که اقتصاد روستایی بدلیل کمبود ابزارآلات صنعتی و نهاده های کشاورزی در رنج است و ناحیه با کمبود تولیدات صنعتی روبروست.

روابط اجتماعی موجود در ناحیه از نوع سنتی، مبتنی بر روابط جامعه قبل از تحول می‌باشد. روابط مدرن که ناشی از سازماندهی جمعیت همراه با انضباط اجتماعی باشد و از پویایی نیروهای مولد اجتماعی حکایت کند در ناحیه جایگاه چندانی ندارد.

"تحلیل دسترسی" نشان می‌دهد که ۵۸/۵ درصد جمعیت با توجه به کیفیت جاده‌ها و سیستم حمل و نقل موجود از دسترسی به خدمات مناسب محرومند. این محرومیت در زمینه خدمات پزشکی تخصصی بسیار محسوس تر است. فقدان دسترسی مناسب بیشترین خسارت را به تولید کنندگان محصولات کشاورزی بازارگرا وارد آورده و از تجاری شدن کشاورزی جلوگیری می‌کند. پراکندگی جمعیت و فقدان دسترسی سبب می‌شود که مردم ناحیه به خدمات رفاهی و آموزشی دست نیابند، سطح زندگی نازل و از حقوق اجتماعی و منافع بلند مدت خود بی اطلاع باشند و روند کوششهای توسعه را با مشکل مواجه سازند.

مدل 'از. اس. دیک' نشان می‌دهد که بین دسترسی آسان و وجود ارتباطات مناسب با برخورداری جمعیت از خدمات، رابطه منطقی وجود دارد. یعنی در مسیرهایی که ارتباطات مناسبتر وسیله نقلیه در دسترس باشد، امکان استفاده از خدمات شهری افزایش می‌یابد و در بسیاری موارد مذکور حتی با وجود برخورداری از خدمات آموزشی به دلیل دسترسی بهتر و برتری کیفیت خدمات شهری، مردم استفاده از خدمات شهری را ترجیح می‌دهند. برای نمونه می‌توان از آبادیهای 'شهر دراز' و 'محمدآباد' نام برد که برغم برخورداری از خدمات محلی بدلیل دسترسی مناسب از خدمات شهری استفاده می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که برای توسعه ناحیه، گسترش ارتباطات فیزیکی ضرورت حیاتی دارد. و به جای اینکه روستاییان را برای دریافت خدمات و شغل جذب شهر بزرگتر کنیم، می‌توانیم با گسترش زیرساختها و جذب سرمایه گذاری در شهرکها به شکل دهی سلسله مراتب مناسب سکونتگاهی کمک کنیم (یوزو، ۲۰۰۰).

فقدان هماهنگی و همکاری سازمانها و نهادهای عمومی و دولتی و مشخص نبودن قلمرو بخشهای مختلف، فقدان نگرش جامع به مسایل توسعه شهری و روستایی و حضور متعدد دستگاههای اجرایی در روستاها و مشخص نبودن وظیفه هر دستگاه در ارتباط با اجرای طرح عمران روستایی، دوگانگی ساختار اقتصادی مناطق شهری و روستایی و توزیع نامتعادل درآمد روستایی و شهری، فقدان برنامه های توسعه هماهنگ و موزون فعالیتهای کشاورزی، صنعتی، خدماتی و در کل گسیختگی نظام برنامه ریزی نظارتی و اجرایی موجب گردیده است که در مجموعه مدیریتی و سیاستگذاری، حافظه تصمیم‌گیری شکل نگیرد و بخشهای صنعت و تولید از ضعف ارتباط نهادی در سیاستگذاری هماهنگ در رنج باشد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸). در برخی مناطق پرداخت اعتبارات کشاورزی سهولت صورت می‌گیرد و گاهی فقدان مکانیزم نظارتی موجب می‌شود که وام به طرق مختلف از بخش کشاورزی خارج گردد. در مناطق، دریافت وام با اقبال روبرو نمی‌شود. خط مشی سیاسی در رابطه با استراتژی توسعه روستایی و جایگاه روستا و روستاییان در سیاستهای کلی مشخص نمی‌باشد.

مجموعه شرایط فوق و فقدان ارتباطات سازمانی افقی و عمودی موجب عقب‌ماندگی اقتصاد ناحیه می‌شود. از نوآوری در تولید شیوه های نوین کشاورزی و آبیاری اطلاعات دقیقی در دست نیست و زارع به نهادهای و تکنولوژی مناسب دسترسی پیدا نمی‌کند.

فقدان ارتباطات مناسب عمودی بین ادارات دولتی و سازمانها و ارتباطات افقی بین سازمانهای دولتی توسعه را با مشکل مواجه می‌سازد. عبارت دیگر مشکل تنها محدودیتهای پولی نیست بلکه ناهماهنگی اداری و محدودیت توان و ظرفیت اداری از مهمترین مشکلات می‌باشد (سینگ، ۱۹۸۵). اغلب روشهای مختلفی در ادارات مختلف یک ناحیه وجود دارد که گاهی متضاد و یکدیگر را خنثی می‌سازد هر سازمانی می‌کوشد سهم زیادتری از بودجه های مالی را

به خود اختصاص داده‌اند که ارتباطی به روابط داخلی نواحی یا روابط داخلی بخشها و یا حتی ظرفیت جذب خودشان ندارد.

تداخل وظایف سازمانی، فقدان دسترسی مناسب، محدودیت‌های طبیعی، عدم شکل‌گیری سلسله مراتب سکونتگاهی مناسب، فقدان ارتباطات عمودی و افقی فضایی و سازماندهی مناسب، مردم ناحیه را از دسترسی مناسب به خدمات شهری محروم کرده است. بیسوادی مردم روستایی بالاست؛ دسترسی مردم روستایی به خدمات آموزشی و بهداشتی و خدمات پشتیبانی تولیدی نامطلوب است.

۷. نتیجه‌گیری

در ناحیه از مفهوم شهر انگلی نمی‌توان یاد کرد زیرا شهر ایران شهر مسالنی تولید زراعی را تضعیف نموده و جمعیت حوزه نفوذ روستایی را تخلیه نکرده است. رشد شهر ایران شهر منجر به زهکشی منابع اقتصادی ناحیه نیز نشده است. چون در ناحیه بدلیل برتری نظام دامداری عشایری و فقر منابع طبیعی، بخش کشاورزی نقش عمده‌ای در اقتصاد ناحیه نداشته است؛ شهرنشینی در ناحیه پدیده‌ای جدید و سرمایه‌گذاران شهری در اراضی زراعی ناحیه سرمایه‌گذاری نکرده‌اند.

نقش مکنندگی شهر با تکیه بر منابع نفتی در رقابت با مناطق روستایی نیز در ناحیه مشهود نمی‌باشد زیرا شهر و ناحیه به دلایل مختلف جغرافیایی و سیاسی از سهم مناسبی از درآمدهای نفتی برخوردار نبوده است. آن مقدار سرمایه‌ای که بعد از انقلاب در قالب امتیازات و تشویق سرمایه‌گذاری صنعتی از سوی دولت در ناحیه تزریق شد، نوعی ناحیه را ترک کرده است. در مقابل کل ناحیه اعم از شهر و روستا به نوعی در اثر روابط تجاری نامتعادل، بخشی از منابع خود را به نفع دیگر نواحی از دست داده است. از این رو نقش رقابتی فعالیت‌های شهری، موجب از بین رفتن بنیان تولید کشاورزی ناحیه نشده است.

از شهر خلاق نیز نمی‌توان صحبت کرد، زیرا شهر در ساماندهی خدمات آموزشی، بهداشتی، تجاری، تکنولوژیکی، اداری و سازمانی توفیق کامل نداشته است. ارتباط بخش کشاورزی و صنعت یا بعبارت دیگر ارتباط بین فعالیت‌های روستایی و کارکردهای شهری بسیار ناقص و محدود است. و نارسایی تشکیلات بازار از تجاری کردن محصولات عاجز است.

بنابراین می‌توان فرضیه تحقیق را پذیرفت و ادعا نمود که در ناحیه، موقعیت حاشیه‌ای و عقب ماندگی تاریخی منجر به پویایی نیروهای مولده و بهره‌برداری مناسب از منابع نشده است؛ زندگی روستایی مبتنی بر تولید کشاورزی قدمت و پویایی لازم را ندارد. زندگی شهری پدیده‌ای جدید و بدون طی مراحل مختلف تکامل درونی حاصل شده است. جمعیت توان بهره‌برداری از منابع ناحیه را ندارد. در نتیجه الگوی حاکم بر روابط شهر و روستا در این ناحیه با الگوهای

شهر انگلی و شهر خلاق تفاوت دارد. در این الگو بدون دخالت مستقیم، منسجم، سازمان یافته و مثبت دولت و سازماندهی سلسله مراتب مناسب سکونتگاهی امکان ظهور پدیده رخنه به پایین یا اثرات گسترش وجود ندارد.

یادداشتها

1. Spread.
2. H.Bobek
3. Spatial linkage.

منابع

الف: منابع فارسی

- آقاجانیان، اکبر پایدار، مجید. (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، به کوشش عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: انتشارات نوید.
- اداره کل صنایع استان. (۱۳۷۸). *دومین راهنمای صنایع استان سیستان و بلوچستان*، زاهدان: اداره کل صنایع استان.
- اشرف، احمد. (۱۳۴۷). *جامعه و اقتصاد در سکونتگاه فردوس*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران (پلی کپی).
- افراخته، حسن. (۱۳۷۵). *نقش چابهار در ناحیه ساحلی جنوب شرق ایران*، مشهد: انتشارات واقفی.
- اهلرز، آکارت. (۱۳۵۵). *دزفول و حوزه نفوذ آن*، مجله جغرافیا، نشریه انجمن جغرافیدانان ایران، دوره اول، شماره اول، صص ۲۱-۲۶.
- بازن، مارسل. (۱۳۶۷). *قم شهر زیارتی و مرکز منطقه*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مجموعه مقالات جغرافی، شماره ۴، مشهد: آستان قدس رضوی، صص ۲۳۹-۳۰۵.
- پاپلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۶۸). *پیامدهای سیاسی - اقتصادی بلوچستان بدون نخلستان*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۳، صص ۳۵-۵.
- پاپلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۸۰). *مشکلات شهری کشور*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، صص ۹-۲۱.
- حسامیان، فرخ و همکاران. (۱۳۷۷). *شهرنشینی در ایران*، تهران: انتشارات آگاه.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۸). *جامعه شناسی روستای ایران*، تهران: انتشارات پیام، چاپ سوم.
- رهنمایی، محمد تقی. (۱۳۷۳). *دولت و شهرنشینی*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، صص ۱۷-۲۶.

- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۸). سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، صص ۴۷-۱۸۴-۲۹۰-۲۹۲-۲۹۳.
- سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۷۳). مجله جمعیت، شماره ۸ و ۹، ص ۱۲۳.
- سعیدی، عباس. (۱۳۷۷). مباحث جغرافیای روستایی، تهران: انتشارات سمت.
- کارل سالزمن، فیلیپ. (۱۳۷۵). خویشاوندی و پیمان در بین عشایر بلوچ، ترجمه محمد دانشور، زاهدان: انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان.
- محمودی، علی. (۱۳۶۷). جابهار و حوزه نفوذ آن، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۳، صص ۳۹-۴۶.
- مؤمنی، مصطفی، بهرام بیگی، هوشنگ. (۱۳۶۱). شهرستان تفت، تهران: دفتر جهاد دانشگاهی، دانشگاه ملی ایران.
- نظریان، اصغر. (۱۳۶۴). سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران، مجموعه مقالات سمینار جغرافیا، شماره ۱، مشهد: آستان قدس رضوی، صص ۲۶۷-۲۸۲.
- ب: منابع انگلیسی

Alain. R. (1999). **Urban Development and New Town in the Third Word**, London, SOAS.

English, P.W. (1966). **City and Village in Iran: Settlement and Economy in the Kirman Basin**, Madison, The University of Wisconsin.

Hoff. U.-Sman. E. (1974). **Local Organization for Rural Development: Analysis of the Asian Experience**, Athaca, Cornell University Center for International Studies, XI.

Josef.G.(1997). **Cities in The Developing: World**, Oxford University Press.

Kalantari, Khalil. (1997). *Public Policy and Regional Pattern of Industrialization in Iran*, *The Geographical Journal*, 72, 1, 11-19.

Landry.C-Bianchi.F. (1995). **The Creative City**, London: DEMOS.

Lawrence. W.Crissman and Others. (1972). **Marketing on the Chungua Plain, Taiwan Economic Organization in Chinese Society**, Stanford university Press.

Momeni, Mostafa. (1976). *Malayer unseen Um Land, Entwicklung, Struktur Und funktionen einer Kleinstadt in Iran*, *Marburger Geographische*, Schriften. H. 68.

Parent.Jean.(1976). **The Problem of Transferring Technology from Branch to Branch and The Multiplier in Organization for Economic Cooperation and Development**, Paris: OECD, 208.

Rene.M-Paul.V. (1990). **Urbanization and Secondary Cities in Central Mexico**, Saar bruchen.

Riley.H.M-Harrison.K.M. (1973). *Vertical Coordination of food Systems Servicing Large Urban Centers in Latin America*, Paper Operated for on **Food and Agricultural Organization**, FAO, 1-15.

Rondineli, Dennis. (1985). **Applied Methods of Regional Analysis**, USA: West View Press, Inc.

Sharbatgholie, Ahmad.(1999).**Urbanization and Regional Development in Post Revolutionary Iran**, West view Press, Oxford.

Singh.R.B. (1985). *Concept Of Integration in Rural Development*, **Rural Development in India**, India: Varahas, 113-130.

Skinner.G.W. (1964). *Marketing and Social Structure in Rural China* Part 1, **Journal of Asian Studies**, 24, 1.3-34.

Taylor D.R.F. (1972). **The Role of the Smaller Place in Development, Urbanization, National Development and Regional Planning in Africa**, NewYork: Praeger.

Word Bank. (1985). **Village Water Supply** ,Washington D.C: Word Bank.

Zhu.Yu. (2000). *In Situ Urbanization in Rural China*, **Development and Change** , 31, 2, 413-432.